

رهبر انقلاب در دیدار فرماندهان سپاه ساعتی پس از حمله موشکی به مراکز داعش:

هر چه می‌توانید روی موشک کار کنید

صفحه ۲

تیترو

مشاور سابق وزارت دفاع آمریکا در سرمقاله یک روزنامه سعودی: گفت‌وگو با ایران یعنی بن بست

تأکید آمریکایی‌ها بر سرمایه‌گذاری روی منافقین

صفحه ۲

یادداشت امروز

عوض کار، خنده نشانندن بر لب گروهک نابکار!

حسین قدیانی

بدتر از این هم آیا متصور هست که سخن به‌گونه‌ای بگوییم که منافقین را با آن همه سابقه در ترور و جنایت و وحشی‌گری، خوش بیاید، بدان حد که سرکرده وقیح و بی‌ابرویشان از فلان موضع، دفاع، دفاع کنند؟! واقعا تحریف امام و تخریب دوران امام، چرا؟! و اوادگی تا کجا؟! همین ایام، از قضا سالگرد یکی از ننگین‌ترین صفحات سپاه کارنامه منافقین است، کم کسی بود مگر آیت‌الله بهشتی؟! امامی که به جد پرهیز داشت از منح‌اشخاص، در وصف «سیدالشهدای انقلاب اسلامی» اما از عنوان «ملت» استفاده کرد! حال آیا رواست جوری سخن بگوییم و جوری دوران امام را و ایران غلتیده در خون امام را هدف بگیریم که «سرکرده قاتلان بهشتی» برایت هورا بکشند؟! همان حرامیان که در جنگ تمحیلی و در آشکارترین خیانت ممکن، با صدام و صدامیان هم‌دست شدند علیه این خاک! همان حرامیان جلاد بی‌رحم، که نه بزرگی می‌شناختند و نه کوچک! نه عناصر تأثیرگذار و نه مردم عادی کوچک و بزاز! مردی به سبب ریش یا زنی به جرم چادر، کم از تیغ منافقین گذشتند؟! کم و زیاده را کاری ندارم اما هزاران ترور در انواع و اقسام شیوه‌ها، بر یک انقلاب نوپای تازه‌نفس تحمیل کردند و اینک، آیا سزاوار است سخن در مدار خوشایند این جماعت حقیقتا عاری از شرف! در هر مصافی میان ملت ایران و دشمنان قسم‌خورده، آیا جز این است که منافقین برای دشمن این مردم، خوش‌رقصی‌ها کردند؟! واقعا چه شده است بعضی‌ها را که موضع‌گیری‌شان در قبال فلان رخداد تاریخی، قند در دل منافقین آب می‌کنند؟! و زبان آنها را علیه این ملت، دراز می‌کنند؟! مع‌الاسف، سخنان چند شب پیش سرکرده منافقین روسیا، نشان داد حرف را اگر دشمن‌پسند بزنیم و موضع را اگر ناجوانمردانه بگیریم، چقدر سابقه‌داران ترور را خوش می‌آید سرکرده روسیه منافقین البته از فتنه‌گران ۸۸ هم دفاع جانانه کرد! بگذار این را برای بار شاید صدم بویسم که ما آن روزها، اگر چه طبق قاعده مسلم منافقین، پذیرش رأی اکثریت را مصداق قانونگرایی می‌دانستیم! اما امروزه هر «۴۰ میلیون رأی» گفتمیم و نوشتیم! «آری ما معتقد بودیم فتنه، فقط فتنه علیه رأی اکثریت نیست، بلکه همه آرا را هدف دارد! و اصل و اساس انتخابات را هدف دارد و حتی اصل و اساس نظام را هدف دارد! متاثر از دروغ بزرگ تقلب که «اسم رمز آشوب» بود، البته آن روزهای اول، خیلی‌ها معترض بودند اما وقتی دیدند و فهمیدند قصه چیز دیگری است و انتخابات پنهان است، صف خود را از فتنه‌گرانی که حتی به بیوم‌العیار عاشورا هم رحم نکردند، جدا کردند! پس صد باره تأکید می‌کنم منظور ما از فتنه و فتنه‌گر، هرگز قاطبه هموطنانی نیستند که آن روزهای اول، اعتراضی از خود نشان دادند! منظور ما و مراد ما، جماعت وقیحی هستند که معتقد بودند «انتخابات پنهان است، اصل نظام نشانه است» از قضا، چند شب پیش، سرکرده گروهک ضاله منافقین هم، از تبدیل شعار «آری ما پس بده» به شعار «مرگ بر اصل ولایت فقیه» ابراز خشنودی کرد! آهای حضراتی که خود، بارها و بارها اعتراف کردید «تقلب، فی الواقع اسم رمز آشوب بود و واقعیت نداشت» و «ساسا سلسازوک! انتخابات در نظام جمهوری اسلامی، هرگز اجازه تخلص، آن هم در حد ۱۱ میلیون رأی را نمی‌دهد» ننگ و نفرین ابدي بر شما باد که سرکرده تروریست‌ها، اینگونه از شما حمایت می‌کنند! در خسران دنیا و آخرای شما، حقا که همین بس! که قاتلان بهشتی و مطهری و ربای و باهنر و مرد و زن کوچک و بزار، رسماً بیابند وسط و این همه آشکار، حمایت‌تان کنند! و چه مضحک که بعضی از شما عنوان «خط امام» را هم یدک می‌کشید! لیکن امام شما بزرگ شما و قائد شما و پیشوای شما، همان بود که چند شب پیش، از شعارتان حمایت کرد!

باینه وزرای خارجه ۴ کشور عربی در پایان نشست قاهره علیه دوحه و تشدید بحران شیوخ خلیج فارس

سعودی و شرکا: پاسخ قطر منفی بود

صفحه ۱۵



دیدگاه

نظام جمهوری اسلامی ایران در آستانه ۴۰ سالگی مرحله ایجاد ثبات و اقتدار سیاسی را با موفقیت به پایان رسانده و برای ایجاد زیرساخت اقتصادی درون‌گرا، برون‌نگر و مقاوم در حال تلاش است. فرمایشات رهبر حکیم انقلاب در دیدار رئیس و مسوولان دستگاه قضا نشان داد حاکمیت در بحث نظام‌سازی علاوه بر اصلاح اقتصادی، برای تعامل با جامعه خودی و رونمایی از شاخصه‌های اجرایی «عدالت و آزادی اجتماعی» آماده می‌شود. رهبر انقلاب در این دیدار با تأکید بر استفاده قوه‌قضائیه از ظرفیت‌های قانونی، خواستار احیا و استیفای حقوق عامه مردم شدند و حمایت از آزادی‌های مشروع اعضای جامعه را از وظایف مهم قوه‌قضائیه برشمرده و دستگاه قضا را برچمدار این موضوعات معرفی کردند. با این احتساب به نظر می‌رسد آسیب‌شناسی شرایط کنونی در بحث «حقوق شهروندی» می‌تواند به تقویت دستگاه قضا در عمل به مسوولیت سنگین برقراری مولفه‌های «حاکمیت خوب» در عرصه قضایی منجر شود.

تنها نیستیم!

یکی از مهم‌ترین مشکلات بروز یافته در سال‌های اخیر پیرامون بحث «حقوق بشر» تلاش نظامات رقیب با جمهوری اسلامی برای تحمیل «رزش‌های حقوقی بیگانه» به کشورمان بوده است. به قولی لیبرالیسم تلاش کرده با مهندسی بحث حقوق بشر از مبدا، از تکمیل مرحله مهم نظام‌سازی مستقل ایرانیان در حوزه شاخص‌های حاکمیت خوب در بخش روابط میان نظام و مردم، جلوگیری کند. ارزش‌ها که بومی نباشد براساس آن «نظام اسلامی» نیز «ظالم» و «غیرحقوق بشری» معرفی می‌شود و متناسب با میزان انحراف از برنامه اعلامی رقبا و دشمنان، مستوجب تنبیه و تحریم و اعمال فشار خواهد بود. علاوه بر آن به واسطه سردرگمی حاکمیت در مسیر جلوگیری از اعمال فشار خارجی بر زندگی مردم، به نسخه ملی نرسیده و راه تعامل با مردم در بحبوحه مطالبه‌گری‌های مشکوک بر سر و صدا کور خواهد شد.

در طول سال‌های اخیر تقریباً همه حوزه‌های مدنی مرتبط با مطالبات «حقوق بشری» در کشورمان مهندسی شده است و اندک گروه‌های مستقل نیز در این بازی به رسمیت شناخته نشده‌اند:

مسأله حقوق بشر؛ مذاکره خارجی یا ساختار سازی داخلی؟

زهرا طباخی

- بسیاری از سمن‌هایی که خود را صدای مطالبات مردم معرفی می‌کنند وابسته به خارج از ایران هستند.
- بخشی از وکلای شاخص پیگیر مطالبات حقوق بشری در نقش رابطان جامعه مدنی پیش‌ساخته وارداتی، مرتبط و مجری نیازهای نظامات رقیب هستند.
- گروه بزرگی از گزارشگران و نویسندگان و کانون‌های ناظر بر موضوع حقوق بشر در دلاره‌های اهدایی سعودی و آمریکا و اتحادیه اروپایی ارتقا می‌کنند و طبیعتاً در مسیر تجارت پرسود حقوق بشری، منویات اعلامی دیگران را در بوق و کرنا می‌کنند

انسداد زایی

بستر تعامل که مهندسی شد، فضا به سمت امنیتی شدن حداکثری متناسب با دوره تهدید ساختاری تغییر کرده و مسیر گفت‌وگو و تلاش برای تحقق آزادی‌های مشروع مسدود می‌شود. به این ترتیب تجارت باندهای حقوق بشری وابسته، به علت عدم پیشرفت نظام در مسیر احقاق بخشی از حقوق حقه جامعه خودی تأمین شده و دوام می‌یابد و ناراضیاتی از حاکمیت نیز به نمایه‌ناکار آمدنی نظام به علت فقدان احساس عدالت اجتماعی در بعد قضایی و حقوق شهروندی تبدیل می‌شود. به عنوان نمونه، بررسی عملکرد «کانون مدافعان حقوق بشر» نشان می‌دهد اغلب اعضا به جای تلاش برای حل و فصل پرونده موکلان خود از مسیر داخل حاکمیت، از ابتدا پرونده را کور کرده و با ایجاد سر و صدا و توسل به نهادها و رسانه‌های ضدایرانی عملاً به صاحب پرونده خیانت کرده‌اند. نتیجه اینکه:
- شهرت‌طلبی بین‌المللی و کلای وابسته، پرونده متهم را به علت ورود نهادهای ضدایرانی نشان‌دار، از ابتدا با انگ «ضدامنیتی» ستاره‌دار می‌کنند.
- با تحریک خانوادۀ فرد به ارتباط‌گیری با رسانه‌های ضدایرانی و کمک‌خواهی از مراکز تصمیم‌ساز دشمن، پرونده اتهامات سنگین‌تر شده و فشار وارده بر متهم با متخلف در دوره مجازات تصاعدی افزایش می‌یابد.

مطالبات حقیقی مردم از بطن جامعه داریم. صدایی که حاصل تبلیغات فرمایشی سمن‌های دیگرساخته و گزارشگران پولکی و کانون‌های وابسته به دشمن و بیگانه نباشد. حاکمیت نیاز به «جامعه مدنی» مستقل و پویای فعال در بحث «حقوق بشر» دارد. طبیعتاً گفت‌وگو پیرامون نیازها اگر مستقل از نیازسازی‌های خارجی باشد به طرح‌هایی همچون درخواست «رژه همجنس‌گرایان در تهران» یا «عقیم‌سازی کارکن خواب‌ها» و «پذیرش حق تن‌فروشی» منجر نمی‌شود!

اگر بناست کمپینی مردمی برای درخواست رواداری حاکمیتی پیرامون محکوم با هویت مشخص با اقلیتی معین شکل بگیرد باید پرسه یاد شده از درون جامعه بجوشد. غیر از این اگر باشد می‌شود نتیجه مشابه کمپین انگلیسی «save arash» که ذات آن برون‌نگر بود. به قولی «ترند» شد برای کمک‌خواهی از اتحادیه اروپایی و وزارت خزانه‌داری آمریکا تا ایرانیان را تحریم کنند که فلان محکوم امنیتی را با اعزام لشکر دمورکراسی‌خواه برانند، از تحمل مجازات برهاند! شکل وخیم‌ترش می‌شود اینکه سربازان فلان پاسگاه در اهواز را به خاک و خون بکشند که برای خورستانی‌ها حقوق شهروندی به ارمان بیاورند!

امکان دهی حاکمیتی

در یک محیط سالم، مسیر برای درخواست مصالحه و رواداری در داخل کشور مشخص و معین است. ارزش‌ها و قوانین نیز پیش‌تر به سماع و نظر مردم و مخاطبان رسیده و جامعه توجیه شده که حاکمیت در برابر کدام درخواست‌ها مطابق با دستورالعمل قادر به ارائه تخفیف است و کدام موارد غیرقابل مصالحه هستند. برقراری تعامل صحیح رفت و برگشتی میان جامعه مدنی مستقل و حاکمیت، به درک متقابل مردم، اپوزیسیون داخلی و مسوولان دستگاه قضا از امکانات، خواسته‌ها و محدودیت‌های یکدیگر منجر می‌شود و چرخه «بجعد ناراضیاتی عمومی» یا «اعلام پیروزی دشمن» پس از رد درخواست یا همکاری قانونی حاکمیت با خواسته مشروع جامعه خودی را دردم می‌شنکند. به عبارتی عبور از وضعیت فعلی علاوه بر احیای اپوزیسیون مستقل حقوق بشری در داخل کشور، نیازمند تحکیم ساختار روابط عمومی دستگاه قضا و پرهیز از تأثیرپذیری از تحریکات خارجی از سوی مسوولان و مردم است.



فرمانده تیم تروریستی منهدم شده که قصد عملیات در سندج را داشت به نقش کردستان عراق در تعلیم تروریست‌ها اعتراف کرد

مسعود نمک‌شناس!

صفحه ۲

یادداشت میهمان

ایرانیان به تاریخ اهمیت زیادی می‌دهند

ارسلان ظاهری بیرگانی

«ایرانیان به تاریخ اهمیت زیادی می‌دهند». این یکی از جملاتی است که مدیرعامل شرکت نفتی توتال فرانسه با شادمانی در روز عقد قرارداد با شرکت ملی نفت ایران در باغ کوشک وزارت نفت گفته است. روز دوشنبه ۱۲ تیرماه ۹۶ بالاخره بعد از کش‌وقوس‌های فراوان، قرارداد توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی در قالب قراردادهای جدید نفتی موسوم به Joint-Venture «سرمایه‌گذاری مشترک» شرکت نفتی توتال فرانسه، شرکت CNPC چین و شرکت پتروپارس ایران منعقد شد.

پیش‌تر آقای زنگنه در یکی از جلسات بررسی قراردادهای IPC گفته بود: «من بلدوزر می‌خواهم، حوصله بیل و کلنگ ندارم!» مراد او از بلدوزر، حضور غول‌های نفتی دنیا در پروژه‌های ایران بود و حالا شرکت توتال فرانسه که یکی از «۶ شرکت بزرگ نفتی بین‌المللی» IOCs است، پای میز امضای قراردادی سودآور آمده که البته مفاد آن همچون همه قراردادهای دیگر در دولت آقای روحانی، «محرمانه» است. اگر چه منتقدان و کارشناسان دلسوز بارها از ایرادات جدی مدل جدید قراردادهای نفتی IPC سخن گفته و بر لزوم اصلاح آن تأکید کرده بودند اما آن چیزی که در عمل رخ می‌دهد این است که آقای زنگنه خود نیز همچون یک «بلدوزر»، فقط کار خودش را می‌کند، لذا بدون کمترین آمیدی برای اصلاح این روند، این سطور را فقط باید برای ثبت در تاریخ نوشت: آنجا که «پاتریک پویان» مدیرعامل فرانسوی هم ادعان می‌کند: «ایرانیان به تاریخ اهمیت زیادی می‌دهند». اهمیت تاریخ بدان جهت است که باید از «تجربه‌ها» درس عبرت گرفت و از تکرار اشتباهات گذشته پرهیز کرد اما متأسفانه آقای زنگنه که خود یکی از باتجربه‌ترین وزرای تاریخ جمهوری اسلامی است و ۲ دهه در صنعت نفت حضور داشته، به‌رغم اینکه می‌داند فرانسوی‌ها در گذشته یکبار ایران را تنها گذاشته و یکبار نیز خسارات سنگینی را به صنعت نفت ایران وارد کرده‌اند، باز هم می‌خواهد بدون توجه به این «سوسایقه»، فرانسوی‌ها را از صنعت نفت ایران منتفع کند.

حکایت آقای زنگنه و شرکت توتال فرانسه، حکایت همان پدر ثروتمندی است که دختر بزرگش را یک بار به عقد کسی درآورده که او تنها به قصد تصاحب مال و منال پدرزن، تن به این ازدواج داده بود و بعد از چند سال بلا تکلیفی هم دختر او را رها کرده اما مجدداً بعد از سال‌ها بازم می‌پذیرد یک بار دیگر به این «داماد بدنات» اعتماد کند، دریغ از اینکه این فرد بدسایقه که یک بار ثروت او را به بغما برده، اگر چه در ظاهر می‌خواهد همان دختر مطلقه‌اش را به عقد مجدد درآورد اما در واقع در رویای به چنگ آوردن دیگر «دختر کوچک‌تر» اوست. شرکت توتال دقیقاً ۲۰ سال قبل یعنی سال ۷۶ در حالی قراردادی را با ایران برای توسعه فازهای ۲ و ۳ پارس جنوبی منعقد می‌کند که خود سال‌ها در آن سوی این «میدان مشترک» در قالب یک قرارداد جناب‌تر از نوع «شارکت در تولید» Production Sharing، با کشور قطر، بیشترین برداشت را از این میدان انجام می‌داد و بعدها از نسوی کارشناسان مشخص شد این حضور همزمان در دوسوی میدان پارس جنوبی، با یک «حقوق‌بازی بزرگ» از سوی توتال همراه بوده، چرا که اولاً توتال سال‌ها به جای برداشت از «لایه‌های مشترک فی‌مابین ایران و قطر»، رندانه و ناجوانمردانه، از «لایه‌های غیر مشترک» برداشت می‌کرده و ثانیاً به‌جای توسعه «فازهای مسرزی با قطر»، به سمت توسعه بخش‌های مرکزی این میدان حرکت کرده است و البته بعدها نیز معلوم شد توتال این قرارداد را با پرداخت رشوه به مقامات وقت ایران به دست آورده بود.

ماجرای اینجا شروع شد که اواخر اردیبهشت ۹۱، رئیس انجمن مهندسی گاز ایران در مصاحبه با یکی از خبرنگاری‌ها، از اخلاف عمدی شرکت توتال فرانسه در شیوه برداشت گاز از لایه‌های میدان مشترک گازی پارس جنوبی خبر داد و اعلام کرد این انجمن در حال آماده‌کردن لایحه شکایت از این شرکت فرانسوی است تا ایران بتواند غرامتی عظیم از این شرکت بگیرد (شکایتی که البته خبری از سرنوشت آن در دسترس نیست).

ادامه در صفحه ۵

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲

در شبکه‌های اجتماعی

@vatanemrooz

پیامک خوانندگان

۱۰۰۰۲۲۳۱